

نقد و بررسی

# جامعه برین

○ غلامرضا گلن زواره

## از جامعه مدنی تا جامعه دینی

بحث و بررسی در خصوص مشخصات و مختصات جامعه مدنی تا زگی ندارد و در محافل فکری و عرصه اندیشه‌ها، این موضوع مطرح بوده است. اما جامعه مدنی در دهه‌های اخیر در غرب بانگ‌رشی نو و تعریف جدیدی از ساختار آن، آن چنان مباحث پرهیجانی را پدید آورد که مسائل سیاسی اجتماعی و تشکیلات حکومتی را تحت الشعاع قرار داد. در میان اندیشمندان و صاحب نظران ایران نیز بررسی درباره جامعه مدنی طی سال‌های اخیر، متداول شد و آثار این گفت‌وگوها به اجتماع نیز سرایت کرده است و تمامی احزاب و جناح‌های سیاسی در تحلیل‌ها و نوشته‌های خویش درباره جامعه مدنی نظر داده‌اند. اما در هیچ کدام از مجامع علمی و مراکز سیاسی اجتماعی تعریف روشن و قابل قبولی که مورد اتفاق همه متفکران باشد از آن ارائه نگردیده است.

عده‌ای براین اعتقادند که جامعه سیاسی یونان و روم باستان در گذر تاریخ پرفراز و نشیب جهان تکامل یافت و این مفهوم دچار تحول شد و سرانجام جامعه مدنی به عنوان ارمغان مهم نظام دموکراسی لیبرال قد برافراشت. گروهی دیگر این نگرش را رد کرده و خاطرنشان ساخته‌اند که جامعه مدنی میوه و نتیجه دوران مدرنیته است و ساختار و ماهیت آن با جامعه سیاسی دوران باستان متفاوت و متباین است و حتی طرز تلقی امروز از جامعه مدنی با دوران شور و هیجان مدرنیته هم تفاوت دارد. برخی هم سابقه جامعه مدنی را به انجمن‌های صنفی قرون میانه رسانیده و در اثبات ادعای خویش دلایلی آورده‌اند. معضل دیگری که تعریف شفاف و واضح جامعه مدنی را دچار مشکل کرده، این است که هر متفکری از دیدگاه خاصی جامعه مدنی را مورد توجه قرار داده است. بدیهی است تشریح ابعاد یک جامعه مدنی از نظر حقوقی، یا از زاویه جامعه‌شناسی سیاسی و نیز از منظر اقتصاد سیاسی، فلسفه سیاسی و جنبه سیاست موجب می‌شود که نتایج بررسی‌ها باهم هماهنگ نباشند و مولفه‌ها و برآیند هر یک از این رهیافت‌ها با یکدیگر

جامعه برین

بخشاری به جامعه مدنی و جامعه دینی

سید موسی میرداس

بیتاب برین

۱۳۸۰

○ جامعه برین (جستاری در جامعه مدنی و جامعه دینی)

○ سید موسی میر مدرس

○ بوستان کتاب قم

○ چاپ اول، ۱۳۸۰

اگر مغایر نباشند حتماً متفاوت خواهند بود.

از این موضوعات که بگذریم به مبحث با اهمیت اما پیچیده‌ای می‌رسیم و آن چگونگی ارتباط جامعه دینی با جامعه مدنی است، در این عرصه نیز صاحب نظران برداشت‌های گوناگونی ارائه داده‌اند: عده‌ای ادعان می‌دارند این دو موضوع با یکدیگر هم‌سنخ نبوده و ایجاد ارتباط بین آنها منطقی نیست، گروهی می‌گویند بین این دو اختلافی وجود ندارد و جامعه مدنی می‌تواند در مسیر تکاملی خود تا جامعه دینی ارتقا یابد و برای رسیدن به این منظور مدینه النبی (ص) اسوه‌ای خوب است و با تاسی بر شیوه‌های رسول اکرم (ص) در پایه گذاری یک جامعه دینی می‌توانیم این طریق را با سلامت طی کنیم.

آقای سید موسی میرمدرس از فضلاء حوزه علمیه قم که مقالات و نوشته‌های پژوهشی دیگری از ایشان در مقوله‌های تاریخی، اجتماعی و کلامی انتشار یافته است با تالیف کتاب جامعه برین (جستاری در جامعه دینی و جامعه مدنی) کوشیده است طی سه فصل مباحثی این گونه را متقح و احیاناً تکمیل کند و معضلاتی را که در این راستا وجود دارد سامان دهد و از منازعات در این عرصه بکاهد.

#### تبارشناسی جامعه مدنی

در فصل اول با عنوان «تبارشناسی جامعه مدنی» نویسنده کوشیده است تبار جامعه مدنی را در چهار مقطع تاریخی مورد بررسی اجمالی قرار دهد:

۱- دوران باستان: با توجه به این که بسیاری از نویسندگان پس از پژوهش‌های آکادمیک و رهیافت‌های باستان‌شناسی سابقه جامعه مدنی را به دولت شهرهای یونان باستان می‌رسانند و حتی برخی از متفکران این تحقیقات را تئوریزه نموده و به عنوان نظریه فطری در باستان‌شناسی جامعه مدنی مطرح کرده‌اند، مولف با کنکاش در آثار فیلسوفان یونان و با توجه به دو اثر گران سنگ کهن در فلسفه و سیاست یعنی جمهور افلاطون و سیاست ارسطو، احتمال این سؤال را داده است که آیا جامعه مدنی از بستر دولت شهرهای یونان برخاسته و پالیده و به شکل کنونی در آمده است یا خیر؟

در ادامه این بحث نویسنده دیدگاه افلاطون و ارسطو را از هم تفکیک می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که نظریه ارسطو قرابت بیشتری با تلقی مدرن از جامعه مدنی دارد، زیرا او دموکراسی را دستاورد روند منطقی فرایندهای تجربه شده بشری می‌شناسد و از مشارکت سیاسی، پاسخگویی دولت و برخورداری مردم از حق انتخاب به نقل از سولون سخن می‌گوید؛ یعنی به نکاتی اشاره دارد که هم اکنون به نام مختصات جامعه مدنی از آنها یاد می‌شود.

در ادامه این بحث از فصل اول، نظرات افلاطون و ارسطو درباره

قانون‌گرایی ارزیابی شده و چنین نتیجه گرفته می‌شود که اگر تفسیر خداوندان اندیشه سیاسی یونان و روم باستان از جامعه مدنی مقبول افتد، که در واقع منظور از آن دولت شهر یا جامعه سیاسی قانون‌مند بوده است، باید گفت این تفسیری پیشینی یعنی مربوط به پیش از عصر روشنگری و تمدن است و تاثیر آن در گفتمان نوین جامعه مدنی ضعیف است.

۲- دوران میانه: نویسنده، جامعه مدنی در این دوران را در دو محور، شامل رهیافت نظری و رهیافت عملی مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهد و یادآور می‌شود مهم‌ترین کتاب سیاسی قرون وسطی تا قرن دوازدهم میلادی شهر خدا اثر آگوستینوس است که در باب فلسفه تاریخ و فلسفه سیاست نگارش یافته اما هیچ اثری از جامعه مدنی در آن دیده نمی‌شود. در ادامه از پولیکراتیکوس، اثر سیاسی مهم جان اف سالیسبری در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی سخن گفته و پس از ارزیابی آن نتیجه گرفته است که مراد از جامعه مورد نظر این نویسنده همان جامعه سیاسی است. از این رو شاید بتوان گفت اندیشه سیاسی «جان» در باب حکومت و جامعه، باز تولید نظریه جامعه سیاسی افلاطون و ارسطو در دوران باستان است. دور نیست اگر ادعا شود که دیدگاه‌های جان و اکوئیناس بخشی از پیش درآمد گفتمان‌های دوران مدرنیته در باب سیاست و حکومت بوده است. اما باید دانست که در قرون وسطی نهایت ایده‌ای که در باب جامعه مدنی ابراز شده، از جامعه سیاسی باستانی تجاوز نمی‌کند.

در قلمرو رهیافت کاربردی، نویسنده با اشاره به رونق شهرها در قرن یازدهم میلادی و گسترش و نوزایی عظیم شهری، از نهادهای اجتماعی که انجمن‌های صنفی نام داشت سخن می‌گوید و چنین نتیجه می‌گیرد که در بُعد عملی و کاربردی آن چه را می‌توان از قرون وسطی درباره جامعه مدنی برداشت کرد این است که جوانه‌ت‌های آن که در دوران مدرن جامعه مدنی را سامان دادند در این عصر رویداد و با وجود افزایش قلمرو حاکمیت سلطنت و تضعیف موقعیت اشراف زمین‌دار، انجمن‌های صنفی به ویژه در داد و ستدهای اقتصادی رونق گرفتند.

۳- دوران مدرنیته: مجموعه فرهنگ و تمدن اروپایی از رنسانس بدین سو مدرنیته نام دارد که از آن می‌توان به عنوان رویکردی فلسفی و اخلاقی برای شناخت امروز و رویکردی در جهت گسست از سنت‌ها یاد کرد. نویسنده پس از آن که نظریات تنی چند از متفکران غربی را درباره تغییرات دوران مدرن از دیدگاه خوانندگان می‌گذراند، نتیجه می‌گیرد که شرایط مادی جدید موجب پیدایش روابط اجتماعی تازه‌ای گردید و در نتیجه آن فلسفه جدیدی ظهور کرد که نقش آنها توجیه حقانیت دنیای جدید بود. این فلسفه جدید لیبرالیسم به شمار می‌رود.

جامعه مدنی از دولت سخن گفته است و آن را نهادی واسطه میان دولت و خانواده تلقی می‌کند.

بررسی نظریات اقتصاد دانان سیاسی کلاسیک موضوع بعدی این فصل است. مولف در این مبحث اندیشه‌های آدام اسمیت را دربارهٔ جامعه مدنی مورد کنکاش قرار می‌دهد و نتیجه‌گیری می‌کند که چنین متفکرانی که جامعه مدنی را متشکل از سه عنصر فردگرایی، مالکیت و بازار می‌دانند مضامین دستور کار لیبرال‌ها را تعیین کردند.

با تحلیل مارکس و انگلس از جامعهٔ مدنی، تحت عنوان جامعه مدنی و جبر تاریخی، نویسنده بحث را پی گرفته و با ارزیابی مفهوم جامعه مدنی از دیدگاه آنتونیو گرامشی (بنیانگذار حزب کمونیسم ایتالیا) برداشت این شخصیت را از جامعه مدنی محدود کننده تلقی می‌کند و تاثیر مهم آرای گرامشی را در جنبش‌های سیاسی و فکری که سال‌ها بعد در سرزمین‌های غیر سرمایه‌داری رخ داد، جستجو می‌کند.

۴ - دوران پسامدرن: پست‌مدرنیسم مجموعه‌ای از تفکرات و نظریه‌ها در زمینه‌های گوناگون است که می‌توان وجه مشترک آنها را نقد مدرنیسم دانست. نویسنده پس از بررسی کاربرد اصطلاح پست مدرنیسم از دیدگاه دانشوران و چگونگی راه یافتن آن به زبان انگلیسی، به نقد پسامدرن بر تجدد از دیدگاه متفکرانی چون بودریار و فوکو می‌پردازد.

با بررسی ویژگی‌ها و دستاوردهای پسامدرن و ارزیابی نظریات کنت تامپسون در این مورد، مولف این تلقی را از پدیدار شدن گفتمان قرن بیستم اعلام می‌دارد: تمرکز زیادی در تمامی حوزه‌ها، بدین سان که معنا و حقیقت امور تابع گفتمان‌های مسلط در هر عصری به شمار می‌آید. هر نوع بنیان‌گرایی، ذات‌گرایی و مانند آن در تمامی عرصه‌ها از معرفت‌شناسی گرفته تا انسان‌شناسی نفی می‌شود.

در ذیل این مقوله کتاب جامعهٔ برین به دلایل طرح نوین جامعه مدنی می‌پردازد و عواملی چون بازیافت هویت و سرخوردگی از سرمایه‌داری مدرن، فروپاشی الگوی سوسیالیسم، ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید در جوامع سرمایه‌داری غرب و گرایش به تفسیر و تحول در اثر فضای ایجاد شده توسط نظریه پردازان پسامدرن را به عنوان عوامل اصلی طرح جامعه مدنی ذکر می‌کند و در مجموع نقدها و نگرانی‌های مربوط به جامعه مدنی را در سه محور دسته بندی می‌کند:

الف: گروهی که با ایده جامعه مدنی مخالف‌اند، زیرا اصل مدرنیته و شیوه زندگی و مناسبات رایج در جهان سرمایه‌داری را بر نمی‌تابند؛

ب: افرادی که با اصل این ایده موافق‌اند، اما به دلیل موانعی نسبت به تحقق آن و وصول به اهدافش نگران‌اند؛

ج: کسانی که ضمن موافقت با اصل مدرنیته، جامعه مدنی را نامطلوب می‌شمارند و خواستار وقوع اصلاحات جدی در آن‌اند.

نویسنده غرض از این اشاره را این واقعیت می‌داند که حتی در

در ادامه مولف ذیل نظریه تکامل تاریخی، سه نظریه را دربارهٔ جامعه مدنی بررسی می‌کند. دیدگاه اول به توماس هابز فیلسوف انگلیسی اختصاص دارد که نویسنده پس از بررسی آن در عرصه‌های حکومتی، اجتماعی و سیاسی بر آینده‌های ذیل را از فلسفه سیاسی هابز استخراج می‌کند:

الف: جامعه مدنی برپایه قرار داد اجتماعی بناشده و از نهاد دولت تفکیک‌ناپذیر است؛

ب: مبنای مشروعیت اجتماع مدنی، قرار اجتماعی شهروندان بین خودشان است نه بین آنان و حاکم و قدرت سیاسی فرمانروا؛

ج: قدرت زامدار مطلق و تفکیک‌ناپذیر است؛

د: نظریه قدرت باوری یا حمایت از زورگویی هابز با نظریه حق الهی پادشاهان یا مبنای حق توارث ارتباطی ندارد؛

ه: از آنجا که هابز از جامعه مدنی سخن رانده و آن را برپایه قرارداد اجتماعی سامان داده است، می‌توان وی را بنیانگذار جامعه مدنی در دوران مدرن و مبتکر نظریه قرار داد اجتماعی بنامیم.

جامعه مدنی به قرائت جان لاک دومین دیدگاهی است که تجزیه و تحلیل می‌شود گرچه وی با هابز در تشکیل جامعه مدنی در قبال وضع طبیعی هم داستان است و آن را مبتنی بر قراردادهای اجتماعی می‌داند، ولی در اموری نظریات جان لاک ویژگی‌های مخصوص خود را دارد. نویسنده به چهار مورد اشاره می‌کند: فلسفه مالکیت که در وضع کنونی روح سرمایه‌داری نامیده می‌شود؛ تفکیک حوزه دین از دولت؛ جانبداری از تفکیک قوا؛ عدم اعتقاد جان لاک به قدرت مطلقه و حمایت او از قدرت محدود.

مبحث بعدی فلسفه سیاسی ژان ژاک روسو را ارزیابی کرده ویژگی‌های ذیل را به عنوان اصول و مفاهیم جامعه مدنی از دیدگاه این دانشمند ذکر می‌کند: در وضع طبیعی انسان خوب و عاری از آلودگی است. اگرچه جامعه مدنی با رسمیت یافتن مالکیت خصوصی تکوین یافته ولی این مالکیت نامنی و مفاسدی به بار آورده است. در جامعه مدنی اراده کلی شهروندان منشأ قوانین است. قرارداد واقعی میان مردم و حاکمان به طور دوجانبه تحقق پیدا می‌کند. در جامعه مدنی انسان از طریق قرارداد نوع والاتری از آزادی را به دست می‌آورد، دین مطلوب دین مدنی است که در این رهیافت قلمرو سیاست از دیانت جدا می‌شود. هر کشوری که تحت هر قانونی اداره شود جمهوری است. تغییر حکومت در صورتی مقبول است که وجود آن مخالف مصالح ملی باشد. نویسنده از این نکات نتیجه می‌گیرد که بین جامعه مدنی و دولت از نظر روسو یگانگی وجود دارد.

مولف تبارشناسی جامعه مدنی را با نگاهی اجمالی بر نظریات هگل، فیلسوف آلمانی، ادامه می‌دهد و این دانشمند را نخستین فیلسوف سیاست‌دانی می‌داند که با شفافیت و صراحت از تفکیک قلمرو

به عنوان دموکراسی شناخته می‌شود غالباً حالت غیر مستقیم دارد که دارای معیارهایی است: همگانی بودن مشارکت، تکثرگرایی سیاسی، امکان جابه‌جایی قدرت، حکومت اکثریت، حق قانونگذاری، برابری مردم و توزیع خردمندانه قدرت که مهم‌ترین تدابیری که در راستای توزیع هوشمندانه و متعادل قدرت در کشورهای گوناگون به کار گرفته شده این امور است:

الف: سرشکن کردن قدرت در هیئت فرمانروا؛

ب: تفکیک وظایف و تعدد نهادها؛

ج: ادواری بودن مشاغل سیاسی.

نویسنده پس از این توضیحات خرده گیران و منتقدان دموکراسی را در چهار دسته متفاوت معرفی کرده است: فاشیست‌ها و نازیست‌ها، کمونیست‌ها، کارل ریمون پوپر و پیروانش، اسپنگلر و هوادارانش. آخرین موضوع بررسی شده در این محور پیوند جامعه مدنی و دموکراسی لیبرال است. نظر به این که در هیچ جامعه‌ای همه افراد به یک سیاق فکر نمی‌کنند و اتفاق آرا درباره مسائل و مشکلات امکان ندارد دموکراسی لیبرال اصل نسبت به آن در مقابل اصل اطلاق پذیرفته است.

۳- لیبرالیسم: اساس مکتب لیبرالیسم آن است که فرد موجودی است آزاد که خواسته‌ها و تقاضاهایی دارد و می‌تواند آنها را بشناسد و برای نیل بدانها تلاش کند و رشد او وابسته به این است که در این فرایند آزاد باشد. به لحاظ تاریخی و باستان‌شناسی، جامعه مدنی و لیبرالیسم پیوندی مشترک دارند. از نظر فلسفی و جامعه‌شناسی نیز این ارتباط دیده می‌شود و اصولاً جامعه مدنی در بستر و ساحت لیبرالیسم نشو و نما کرده و با سنت‌های آن تکیه یافته و حتی پاره‌ای از ویژگی‌های آن را وام گرفته است، ابعاد لیبرالیسم عبارت‌اند از نوع سیاسی، نوع اقتصادی، نوع سیاسی اجتماعی؛ اگرچه لیبرالیسم جنبه‌های مثبتی چون بیزاری از قدرت خودسرانه و استبداد، برجسته کردن حقوق بشر، منزلت قایل شدن برای فرد انسانی در تلاش، پویا شدن و گزینش عقلانی و تسلیم وضع موجود نشدن، آزادی تولید، توزیع، عرضه و تقاضا که منشأ رشد و شکوفایی اقتصادی است، را به دنبال دارد، اما انتقادهای ذیل به‌طور جدی بر آن وارد است: تقدس زدایی و نفی آگاهی‌های وحیانی؛ تحقیر عاطفه و احساس عمیق انسانی به دلیل ستایش افراطی عقل؛ انکار وحی به عنوان یک سرچشمه مستقل آگاهی و نیز نفی هدایت دینی و امتیازات الهی و حقوق خداوند؛ اعتقاد به نوعی تسامح در دین که انحرافات را چون ارتداد، تغییر دین و مانند آن را در بردارد؛ مخالفت با عدالت اجتماعی، زیرا روند اقتصاد لیبرالیستی میدان عمل را برای افراد و گروه‌های کوچک انسانی تنگ می‌کند و نتیجه آن پیروزی سرمایه داران و برخورداری اندکی از افراد جامعه از مزایای فراوان است.

دوران معاصر تلقی یکسانی از جامعه مدنی وجود ندارد و در میان نخبگان و اندیشه‌ورزان انتقاداتی از جامعه مدنی یا روند آن به عمل آمده است.

۵- پیشینه جامعه مدنی ایرانی و اسلامی: در آخرین مبحث فصل اول کتاب به این موضوع پرداخته شده که درباره سابقه جامعه مدنی در سرزمین‌های اسلامی و به خصوص ایران بین محققان اتفاق نظر وجود ندارد و تحقیقات مستند و قابل اتکایی هم در این مورد وجود ندارد. با وجود این متفکری چون دکتر فتحی شقاقی (دبیر کل شهید جنبش جهاد اسلامی فلسطین) بر وجود یک جامعه مدنی حقیقی در کشورهای اسلامی در طول چهارده قرن تأکید و از آن به عنوان جامعه‌ای مستقل از دولت - که امور آموزش، بهداشت، وقف و مساجد همواره در دست او بوده و حتی فساد و فروپاشی دولت‌ها تأثیر مهمی بر آن نگذاشته - یاد می‌کند.

در مقابل این نظر کسان دیگری منکر ریشه دار بودن جامعه مدنی در جهان اسلام و به خصوص ایران هستند. نویسندگان پس از طرح این دو نظر می‌گویند، به نظر می‌رسد اختلاف این دو گروه از آن که ماهوی باشد شکلی و صوری است زیرا گروه اول که مدعی ریشه دار بودن جامعه مدنی در جهان اسلام از جمله ایران است تنها به مظاهر و نمادهایی از آن تمسک می‌کنند و گروه دوم که وجود چنین جامعه‌ای را منکرند مرادشان هویت اجتماعی - صنفی قانونی ثبت شده است که گروه اول مدعی اثبات آن نیست.

#### مولفه‌های جامعه مدنی

در این فصل عواملی که به جامعه مدنی هویت می‌دهند بررسی شده‌اند که عبارت‌اند از:

۱- قانون‌گرایی و قانون‌مندی: به دو دلیل قانون‌گرایی از مولفه‌های جامعه مدنی است: یکی آن که محدود کردن قدرت دولت و نیروهای بیرون از دولت که می‌خواهند در روند جامعه مدنی خلل ایجاد کنند، بدون وضع و اجرای قانون مناسب تحقق نمی‌یابد؛ دیگری تردید ناپذیری پیوند دموکراسی با جامعه مدنی است که یکی از مهم‌ترین اصول دموکراسی پذیرش حاکمیت قانون است. نویسندگان در ادامه، مفهوم و پیوند قانون و حقوق و نیز فرق بین حقوق فطری و حقوق وضع شده را ارزیابی می‌کنند و در پایان این مباحث نتیجه می‌گیرند که در جامعه مدنی منبع و سرچشمه اصلی تمام قواعد حقوقی اراده عموم مردم است که گاه به‌طور مستقیم و به صورت عرف و عادت منشأ حقوق می‌شود و گاه توسط قوه مقننه و به صورت قانون، قاعده‌ای را پدید می‌آورد.

۲- دموکراسی (مردم سالاری): اساس این مولفه باور به ارزش فرد انسانی و تصمیم‌گیری او در مورد امور عمومی و خصوصی است. دموکراسی دو شکل مستقیم و غیر مستقیم دارد و آنچه در جهان امروز

یکسان‌اند اندیشه نادرستی است...

... لازمه ایمان به همه پیامبران این است که در هر زمانی تسلیم شریعت همان پیامبری باشیم که دوره اوست و قهراً لازم است در دوره ختمیه به آخرین دستورهایی که از جانب خدا به وسیله آخرین پیامبر رسیده است عمل کنیم و این لازمه اسلام یعنی تسلیم شدن به خدا و پذیرفتن رسالت‌های فرستادگان اوست...» (مجموعه آثار، ج اول، شهید مطهری، ص ۲۷۵)

ج - کثرت‌گرایی سیاسی: به معنای باور به کثرت و استقلال گروه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در هر سیستم. نویسنده در این بخش به بررسی نظریه کثرت‌گرایان اکتفا می‌کند و نظر خود را در خصوص نفی و یا اثبات این گونه کثرت‌گرایی اعلام نمی‌کند.

۶ - سکولاریسم: سکولاریسم مرامی است که حیات عمومی را بیرون از قلمرو دین و رهبران آن می‌خواهد. در کشورهای اسلامی این پدیده به کوشش دو گروه و با انگیزه‌های متفاوت گسترش یافت. گروهی که دارای حسن نیت بودند و برای نجات و رهایی دین از چنگال قدرت فاسد به نظریه سکولاریسم روی آوردند؛ عده‌ای دیگر به دلیل اغراض و منافع شخصی یا مرعوب شدن از تمدن غرب، به این اندیشه متمایل شدند، ادعای اینها آن بود که پیشرفت مسلمانان در پیروی تمام عیار از غرب نهفته است از این رو نه تنها به جدایی دین از سیاست حکم دادند بلکه برخی از آنان عقاید دینی را موجب ذلت ملوک و دولت خواندند.

پس از این بررسی‌ها، نویسنده نظر خویش را درباره سکولاریسم بدین گونه اعلام می‌کند که سکولاریسم جهت‌گیری معرفت‌شناسانه خاصی است که یک منظومه معرفتی از جهان را برای انسان تصویر و تبیین می‌کند و در پرتو آن، نگاه به جامعه، سیاست، اقتصاد، حکومت و انسان‌شناسی تحول می‌یابد. در این نگرش، اصل بر تفکیک حوزه اندیشه و معرفت متافیزیکی از غیر آن است و چون نظریه جامعه مدنی به قرأت و برداشت جدید - در درون این منظومه معرفتی شکل گرفته است، از تبعات آن - از جمله جدایی دین از سیاست - برکنار نیست.

۷ - رواداری (تساهل): مدارا به مفهوم روا داشتن وجود عقاید و آرای مخالف و گوناگون سیاسی، دینی، اجتماعی، فلسفی و هنری در درون یک نظم سیاسی و اجتماعی یکی از مولفه‌ها و شرایط جامعه مدنی است که بدون تحقق آن، جامعه مدنی سامان نخواهد یافت اصحاب تسامح و تساهل می‌گویند: اگر خواهان جامعه‌ای مداراگر هستیم باید عدم قاطعیت، بی تفاوتی و حتی بی عاطفگی را برداشتن عده زیادی از افراد که عقاید راسخ دارند رجحان دهیم. نویسنده توضیحات مختصری درباره میحث تولرانس آورده، اما ضمن ذکر نظر برخی متفکران غربی و استفاده از اندیشه‌های روشنفکران ایرانی نظر خویش را در این باب درج نکرده است، اما از چگونگی بحث‌هایش

۴ - آزادی: حقوق فردی و آزادی‌های عمومی از مولفه‌ها و شرایط پایه‌ای مردم سالاری و به طریق اولی جامعه مدنی است و بدون وجود این آزادی‌ها تحقق مردم سالاری قابل تصور نیست. البته آزادی حقیقی این است که فرد باید بتواند منافع خود را به هر راهی که می‌پسندد تعقیب کند مشروط براین که به منافع دیگران لطمه‌ای وارد نسازد یا از کوشش آنها برای تحصیل منافی که با مصالح مشروع وی اصطکاک ندارد، جلوگیری نکند.

آزادی عملکرد فردی دارای اقسام ذیل است: حقوق حیات و آزادی تن؛ امنیت؛ آزادی و مصونیت محل سکونت؛ تعرض ناپذیری مکاتبه‌ها؛ آزادی رفت و آمد؛ آزادی اندیشه و عقیده، آیین، بیان و آموزش و پرورش؛ همچنین آزادی اخبار و اطلاعات و نمایش‌ها.

آزادی‌های اقتصادی اجتماعی چهارگونه‌اند: آزادی مالکیت؛ بازرگانی و صنعتی و نیز آزادی کار و مسائل سندیکایی.

۵ - پلورالیسم (تکثرگرایی): کثرت‌گرایی، هم از معیارها و ویژگی‌های دموکراسی است و هم از مولفه‌های جامعه مدنی. مولف تحت عنوان فوق سه گونه کثرت‌گرایی را ارزیابی می‌کند:

الف: کثرت‌گرایی فلسفی: بر اساس این آموزه و با این نگرش کثرت بر وحدت برتری دارد زیرا ساخت جهان حالت تکثری را دارد! ب: کثرت‌گرایی دینی: در این مقوله نویسنده با استناد به نظریه جان هیک می‌گوید براساس این دیدگاه باورهای دینی بزرگ جهان از درون راههای متنوع فرهنگی و عمدتاً از درون انسان بودن، در بردارنده تصورات و ادراکات گوناگونی از حقیقت یا غایت دارند.

پلورالیسم دینی شامل دو قسم کثرت‌گرایی صدق و حقانیت و کثرت‌گرایی نجات است پیروان نظر اول معتقدند که همه ادیان و مذاهب از حیث صدق و حقانیت در وضع یکسانی قرار دارند اما افرادی که به تکثرگرایی در عرصه نجات اعتقاد دارند درباب صدق و حقانیت و نفی و اثبات آن خاموش‌اند، ولی می‌گویند اگر کسی التزام جدی و صادقانه به مذهب خود داشته باشد اهل نجات است و از سعادت ابدی محروم نمی‌شود.

مولف داوری درباب درستی و یا نادرستی نظریه پردازان کثرت‌گرایی را مربوط به علم کلام می‌داند ولی نظر خویش را در این باب چنین اعلام می‌کند که این پندار با معارف وحیانی هماهنگ نیست و دین آخرین حقانیت بالفعل سایر ادیان را تأیید نمی‌کند، گرچه می‌پذیرد که هرکدام از ادیان الهی گذشته در ظرف زمانی خود حقانیت بالفعل داشته‌اند. نویسنده در اینجا از نظر شهید مطهری کمک می‌گیرد که آن متفکر شهید خاطر نشان ساخته است:

«دین حق در هر زمان یکی بیش نیست و بر همه کس لازم است از آن پیروی کند. این اندیشه که میان برخی از مدعیان روشنفکری رایج شده که می‌گویند همه ادیان آسمانی از لحاظ اعتبار در همه وقت



می‌توان فهمید که با طرفداران تساهل موافق نیست.

#### مفهوم و مولفه‌های جامعه دینی

مولف در آغاز این فصل پس از ذکر تعریف جامعه دینی از دیدگاه‌های گوناگون، تمامی این تعاریف را از کاستی مصون نمی‌داند و به اعتقاد او جامعه دینی را باید جامعه دین مدار، دین باور، دین داور و مطلوب دین دانست و چون چنین جامعه‌ای دارای معیارهای دینی و وحیانی است، لذا جامعه‌ای تراز قرآن و سنت است و مطلوب و مرضی شریعت که البته با تشریح مولفه‌های آن قلمرو و تمایزش از جامعه غیر دینی مشخص خواهد شد.

نویسنده اضافه می‌کند: مراد ما از دین در گفتمان جامعه دینی اسلام به قرائت امام خمینی است زیرا پذیرفتنی، عقلانی و وحیانی‌ترین قرائت و تلقی از اسلام است و منظور از آن، تفسیری از دین است که در پی سعادت دنیا و آخرت مردم است. راز برتری این قرائت از اسلام آن است که امام خمینی اسلام را با همه ابعاد و از همه زوایای ممکن فهم کرده و قرائت نموده است.

مولفه‌های جامعه دینی به صورت ذیل در این فصل معرفی گردیده‌اند:

۱ - حق مداری: از مهم‌ترین مولفه‌های جامعه مدنی، پیروی از حق در فکر و عمل است. نویسنده پس از ذکر نمونه‌های قرآنی و روایی در این مورد می‌گوید حق مداری بخشی از فرهنگ تفکیک‌ناپذیر دینی است. به اعتقاد مولف در جامعه دینی در صورت تعارض مصادیق حق و پیروی از رأی اکثریت - که مصادیق حق غالباً احکام و اخلاقیات شرعی‌اند - پیروی از حق مقدم است و می‌افزاید این دیدگاه در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نحو بارزی تبلور یافته و به تایید اکثریت مردم (۲۹۸/۲) رسیده است.

۲ - عدالت محوری: جامعه دینی جامعه‌ای است که در آن مقتضیات رشد موجود باشد و موانع رشد از بین برود و بنیاد بدل‌ناپذیر ایجاد مقتضیات رشد در جامعه، اجرای عدالت است. براساس شناخت قرآنی با تبیین امام معصوم، نقطه اوج کمال انسان در تقواست و راه رسیدن به پرهیزگاری عدالت است و تحقق این اصل در اجتماع یعنی جامعه‌ای منهای فقر.

۳ - قانون‌گرایی: نویسنده با استناد به نظر علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان از قانونی که تمدن کنونی آن را وضع کرده انتقاد می‌کند زیرا براساس بهره‌مندی از لذایذ مادی تنظیم شده و انسان‌ها را در امور دینی و اخلاقی رها می‌کند ولی اسلام قانون‌گذاری خود را براساس توحید و فضایل اخلاقی قرارداده و تمام شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. سپس خاطر نشان می‌گردد که در جامعه دینی تنظیم روابط و مناسبات گسترده حقوقی مردم با مردم و مردم با دولت و دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها بر دو پایه استوار

می‌گردد: الف - قوانین الهی و شریعت اسلامی که در فقه تبلور یافته است؛ ب - مصالح اسلام و مسلمانان که در قوانین موضوعه تجلی می‌یابد.

البته در هر موردی که شریعت موضع قاطعی از حرمت یا ایجاب ندارد قوه مقتنه منتخب مردم اقدام به قانون‌گذاری می‌کند به گونه‌ای که با قوانین شریعت در تضاد نباشد.

ضمانت اجرایی قوانین در جامعه مدنی اسلامی به عهده تربیت اخلاقی می‌باشد، این ویژگی در هر حالتی با آدمی بوده و وظیفه خود را می‌تواند بهتر از هر نگهبان مراقب و بهتر از هر قدرتی که مشفقانه در برقراری نظم سعی است، انجام دهد.

۴ - حکومت دینی: مولف پس از بررسی برداشتها و تلقیات گوناگون در خصوص مفهوم حکومت دینی یادآور می‌شود که حکومت دینی حکومتی است که زمامدار آن، دین‌شناس، عادل و نظام حقوقی‌اش مبتنی بر قوانین الهی و مصالح جامعه و رفتار کارگزاران آن با مردم براساس ارزش‌های دینی و موازین اخلاقی باشد و هدف آن آبادانی و پاسداشت حرمت انسان‌ها و اهتمام به امر آخرت آنها باشد و زندگی شهروندان را چنان سامان بخشد که مهم‌ترین اهداف اوضاع و احوال عمومی جامعه، نیل مردم به غایات آرمان‌های دینی باشد.

نویسنده پس از بررسی‌های قرآنی و روایی نتیجه می‌گیرد که تحقق بسیاری از احکام شریعت و حدود الهی بدون وجود زمامداران دینی امکان ندارد. بنابراین یا باید بپذیریم که خداوند به تعطیل بسیاری از احکام و حدود الهی رضایت داده یا اجرای آنها را به دست زمامداران نااهل سپرده که هر دو از ساحت کبریایی‌اش به دور است یا باید تشکیل حکومت را جزو رسالت پیامبران و امامان معصوم بدانیم و هر پندار دیگر را ناصواب بشماریم. سپس با استناد به پاره‌ای روایات و درج نظریات حضرت امام خمینی موضوع ولایت فقیه را مطرح می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که همه اختیارات و مسئولیت‌های معصومین در امور حکومتی جز موارد مختص رسول خدا(ص) و جانشینان او را ولی فقیه دارد و می‌افزاید حکومت دینی از آن حیث که مستند به وحی الهی است مشروعیت آسمانی دارد و از آن جهت که مردم با اختیار و آزادی کامل آن را بر می‌گزینند مشروعیت زمینی دارد. سپس مستندات این دو نوع مشروعیت را از مصادر معتبر شیعی استخراج می‌کند. آخرین نکته مطرح شده درباب چهارمین مولفه جامعه دینی، یعنی حکومت دینی، این است که در این جامعه زمامدار دینی چگونه نظارت می‌شود. پاسخ، مستند به نهج البلاغه، این است: برای زمامدار سه ابزار نظارت مهم پیش بینی شده است:

الف: عصمت در زمامدار معصوم و عدالت در زمامدار غیر معصوم؛

ب: نظارت ملی و مراقبت احاد مردم همراه با مراقبت نهادهای

قانونی؛

ج: نصیحت رهبران دینی.

مستقیم و به صورت عرف و عادت منشأ حقوق می‌شود و گاه توسط قوه مقتنه و به صورت قانون ایجاد قاعده می‌کند. نتیجه آن که در جامعه مدنی امکان وضع قوانین مغایر با احکام دینی وجود دارد ولی در جامعه دینی قوانین موضوعه هم نباید با احکام شریعت مغایر باشند.

ب: آزادی اگرچه از مولفه‌های جامعه مدنی و دینی است اما محدودیت آن در جامعه مدنی تنها اضرار به غیر است و در غیر این صورت حتی اگر این آزادی مغایر احکام دینی باشد محدودیتی ندارد و ساحت آزادی بیان به گونه‌ای گسترده است که نفی توحید و تبلیغ علیه مذهب را هم در بر می‌گیرد و عقیده به ارتداد و ابراز آن را یک حق طبیعی قلمداد می‌کند اما در جامعه دینی هرکسی آزاد است، مشروط بر آن که برخلاف احکام الهی اقدامی نکند.

ج: دموکراسی در جامعه دینی و مدنی باهم اشتراکاتی دارند اما در جامعه مدنی تشکیل حکومت با شیوه دموکراسی صورت می‌گیرد و مشروعیت حکومت ناشی از اراده اکثریت مردم است. در جامعه دینی مشروعیت حکومت آسمانی، و مقبولیت آن زمینی و مردمی است البته در جامعه دینی اراده اکثریت محترم است ولی مَطاع بودنش در گرو عدم مغایرت آن با احکام شریعت است و در صورت تعرض حق تقدم با قوانین الهی است.

د: مهمترین جنبه منفی لیبرالیسم که آن را در تضاد کامل با اهداف و احکام دین قرار می‌دهد، تقدس زدایی و انکار وحی به عنوان یک سرچشمه مستقل آگاهی است. پس این مولفه در جامعه مدنی، هیچ نقطه مشترکی با جامعه دینی ندارد.

ج: تکثرگرایی دینی هم در جامعه مدنی پذیرفته است، اما جامعه دینی آن را نمی‌پذیرد زیرا اکثریت‌گرایی دینی به معنای صدق و حقیقت بالفعل همه ادیان است که با متون دینی یعنی قرآن و حدیث مغایر است. البته کثرت‌گرایی سیاسی با ملاحظاتی در جامعه دینی مورد قبول است.

ه: سکولاریسم نیز که از مولفه‌های جامعه مدنی است، هیچ سنخیتی با جامعه دینی ندارد. زیرا این مکتب امکان معرفت اخلاقی، دینی یا ماورای طبیعی را نفی می‌کند و بر استقلال عقل - بی‌نیاز از دین و معنویت - در تمامی ساحت‌ها تأکید دارد در حالی که جامعه دینی، جامعه‌ای دین باور، دین داور و دین حاکم است و با نفی کارکرد دین به شدت مخالف است.

و: در جامعه مدنی که نگرش لیبرالیستی دارد به تسامح و بی‌تفاوتی اصالت داده می‌شود، اما در جامعه دینی هدف از مدارا تحمل ایده‌ها، روش‌ها و رفتارهای بهنجار مخالف است آن‌هم با رعایت حدود و ثغور مشروع و نیز تسامح اصلاتی ندارد.

نویسنده پس از این بررسی‌های تطبیقی و مقایسه‌ای اذعان می‌دارد مولفه‌های اختصاصی جامعه دینی همچون حق مداری، عدالت محوری، حکومت دینی و پارسیایی که مرز این جامعه را از غیر آن به روشنی مشخص می‌کند و معیار، حق مداری و عدالت محوری است،

۵- تقوایی‌پیشگی: به اعتقاد مولف، مهم‌ترین مولفه‌های جامعه مدنی تقوا و پروا پیشگی است، زیرا به تعبیر قرآن تقوا آثار ارزنده‌ای دارد از جمله آن که مولود آن حکمت عملی خواهد بود یعنی آدمی در اثر پارسیایی بهتر درد خود و داروی آن و نیز راهی را که باید در پیش گیرد می‌فهمد و می‌شناسد و این حالت ارتباطی به عقل نظری ندارد. همچنین هرکس تقوا پیشه کند خداوند راه نجات از فتنه‌ها را برایش فراهم می‌کند و برای او نور هدایت قرار می‌دهد. شخص پرهیزگار دارای بصیرت و روشن بینی خاصی می‌گردد که می‌تواند حق را از باطل تمییز دهد. حتی آبادانی سرزمین و شهرها و جلب رحمت الهی به سوی محل سکونت انسان‌ها در اثر تقوا به دست می‌آید. در ادامه این بحث نشانه‌های انسان‌های پرهیزگار از دیدگاه امام علی (ع) به خوانندگان شناسانیده شده است. آخرین نکته‌ای که ذیل تقوا بررسی شده این واقعیت است که تقوا در گام نخست و به‌طور مستقیم از ناحیه اخلاقی و معنوی به انسان آزادی می‌دهد و او را از قید بندگی هوا و هوس‌ها و امیال باطل آزاد می‌کند و رشته حرص، حسد، طمع، شهوت و خشم را از گردنش برمی‌دارد و به‌طور غیر مستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادی‌بخش است. زیرا بندگی‌های اجتماعی نتیجه وابستگی به مقام، پول و شهرت‌های کاذب است و تقوا می‌تواند این قیودات را برطرف کند.

#### نقد و بررسی

نویسنده پس از یادآوری رئوس مطالب مطروحه در فصول سه‌گانه کتاب به مقایسه جامعه مدنی و جامعه دینی می‌پردازد اما در آغاز این بررسی یادآور می‌شود که چنین مقایسه‌ای با هر یک از رهیافت‌های هشت‌گانه جامعه مدنی نه آسان است نه سودمند؛ اما مقایسه تطبیقی میان جامعه مدنی به قرائت امروزی و جامعه مدنی دینی، سودمندترین، کاربردی‌ترین و بایسته‌ترین مقایسه‌هاست و سزاوار است که محور سخن قرار گیرد. سپس این مقایسه را در دو حوزه پی می‌گیرد:

۱- مقایسه شکلی جامعه مدنی: از نظر شکلی وجود نهادهایی مستقل از حوزه دولت هیچ منافاتی با جامعه دینی ندارد یعنی در چنین جامعه‌ای با وجود نهادهای مدنی، هم اهداف دین قابل تحقق‌اند و هم احکام دین. به عبارت دیگر نه تنها میان نهادهای مدنی و جامعه مدنی تضادی ترسیم نمی‌شود، بلکه نمادها و مصداق‌هایی از جامعه مدنی چون موقوفات، مساجد، هیئت‌ها، اصناف و امثال آنها ریشه در فرهنگ اسلامی دارند و از حیث اهداف دین نیز می‌توانند باشند.

۲- مقایسه محتوایی جامعه مدنی: در این قسمت نویسنده به ارزیابی اجمالی مولفه‌های جامعه مدنی و دینی پرداخته است.

الف: از مولفه‌های مشترک این دو جامعه قانون‌گرایی است با این تفاوت که قانونگذاری در جامعه دینی بر پایه قوانین الهی استوار است یا بر پایه مصالح اسلام و مسلمین تدوین گردیده است اما در جامعه مدنی منبع اصلی تمام قواعد حقوقی، اراده عموم است که گاه به‌طور

در حالی که در جامعه مدنی، با اعتقاد به اصالت فرد و اصالت منافع شخصی، معیار، سود فردی و اهتمام به منافع اوست و اگر رأی اکثریت به رسمیت شناخته شده از آن روست که در پرتو آن بهتر می‌توان از اصالت فرد و سود شخصی جانبداری کرد، اما در جامعه دینی اصالت با فرد و جامعه هردوست و نباید یکی فدای دیگری شود.

#### قرائت پذیرفته از جامعه دینی :

نویسنده در خاتمه کتاب نتیجه می‌گیرد که جامعه مدنی با توجه به مولفه‌ها و بسترهای رویش آن با جامعه دینی و اهداف آن مغایر و ناسازگار خواهد بود و مناسبت‌ترین الگوی قابل اتکا را جامعه دینی معرفی می‌کند اما چون جامعه دینی از مفهومی عام و فرا اسلامی برخوردار است و دارای ظرفیت‌ها و برداشت‌های متعدد و متحمل قرائت‌های گوناگون است بدان‌سان که پیروان هر یک از ادیان می‌توانند با قرائت خویش از جامعه دینی حمایت کنند، اعلام می‌دارد: آن چه که در این نوشتار با عنوان جامعه دینی و مولفه‌های آن ارائه شده و جامعه مدنی با آن مقایسه گردیده در واقع قرائت برتر از این جامعه یعنی همان دیدگاه امام خمینی است. به باور پدیدآورنده این نوشتار (کتاب جامعه برین) این قرائت از جامعه دینی، «جامعه برین» نام می‌گیرد و صرفاً یک نام‌گذاری ساده نیست زیرا جامعه برین قرائتی از جامعه دینی است که دارای مولفه‌ها، ویژگی‌ها و کارکردهای جامعه دینی است و مختصات و حدود و ثغور آن دارای تعین و شفافیت است. به باور نویسنده، جامعه برین جامعه‌ای تقوایی، قانون‌مند و حق‌مدار است که ضمن برخوردارگی از فواید دموکراسی، با توجه به بهره‌مندی از حکومت دینی، به عدالت اجتماعی به عنوان محوری‌ترین شعار راهبردی در کنار آزادی معقول تأکید می‌ورزد؛ دنیا را از آخرت و سیاست را از دیانت جدا نمی‌داند؛ طالب آبادانی دنیا و آخرت است و به مساوات، سلامت، تعمیم و اعتدال جامعه اهمیت می‌دهد؛ مسابقه در نیکی‌ها را ارزش تلقی می‌کند، حرمت انسان‌ها را پاس می‌دارد؛ همه شهروندان را دارای حقوق و تکالیف تعریف شده می‌داند؛ به جامعه‌ای پیراسته از فساد، آلودگی، ریا و تقلب چشم دوخته و عزت و اقتدار آن را فریضه می‌شمارد؛ و زمینه رشد و کمال همه شهروندان را فراهم می‌کند.

نویسنده برای تالیف این کتاب که در ۳۲۷ صفحه و در قطع رقیعی تدوین شده از ۹۵ ماخذ فارسی، ۳۰ ماخذ عربی و نیز ۱۸ مقاله و گفتگوی مندرج در جراید، نشریات و جزوات کمک گرفته است.

#### بایسته‌ها و تأملات

نوشتار مورد اشاره قبل از چاپ به نظر حجة الاسلام صادق لاریجانی و نیز دکتر محمود خاتمی رسیده و مولف از تذکرات این دو دانشور بهره گرفته است. آقای ابوالفضل طریقه‌دار نیز ویرایش ساختاری آن را بر عهده داشته است. با این حال نمی‌توان از این واقعیت گذشت که کتاب جامعه برین با همه مزایا و محاسنش و نیز نکته‌های تازه‌یاب و ناب و بررسی‌های جالب، بدیع و آموزنده نکات

مورد تامل در ساختار متن و نیز محتوا دارد و اگر بایسته‌هایی رعایت می‌گردید پاره‌ای مطالب به شکل منقح‌تری عرضه می‌گردید. نکات ذیل به عنوان مواردی که به نظر می‌رسد مورد تامل و نیازمند اصلاح است به عنوان تذکر مطرح می‌گردد:

۱ - گرچه بحث‌های کتاب در اکثر موارد با نثری پخته و روابط و روال منطقی به نگارش در آمده است اما به نظر می‌رسد در پاره‌ای موضوعات مولف از سبک نوشتاری نشریات و جراید تأثیر پذیرفته است.

۲ - ضمن بررسی نظریه تکامل تاریخی جامعه مدنی به قرائت هابز، جان لاک و روسو، مزایا یا نارسایی‌های این قرائت‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است.

۳ - لازم بود که عقیده مولف در این باره که دین مورد نظر در هیافت جامعه دینی اسلام ناب است، در یک بررسی عمیق علمی، فلسفی و با ذکر دلایل و برخی مستندات ذکر می‌شد و این که چرا از میان ادیان آسمانی، اسلام به عنوان مصداق بارز جامعه دینی برگزیده شده است و ادیان دیگر چه نارسایی‌هایی داشته‌اند که نتوانسته‌اند مشمول این مصداق شوند مورد بحث قرار می‌گرفت.

۴ - مولف محترم درگفتمان جامعه دینی، اسلام به قرائت امام خمینی را به دلیل عقلانی و وحیانی‌ترین قرائت و تلقی از اسلام پذیرفته است. شایسته بود در این مقوله به نظریات دیگر متفکران مسلمان خصوصاً مشاهیر شیعه هم اشاره‌ای می‌شد و سوابق قرائت جامع و کامل از اسلام مورد کنکاش قرار می‌گرفت. همچنین اشاره‌ای به جامعه مدینه‌النبی رسول اکرم (ص) و نیز ترسیم از جامعه دینی که حضرت علی (ع) تشکیل داد ضروری به نظر می‌رسد.

۵ - از مباحث عالی، نو و ابتکاری کتاب فصل سوم است که چگونگی ترسیم مولفه‌های جامعه مدنی در آن مطرح شده است. اما در مواردی مطالب این فصل شکل نقلی صرف می‌گیرد و حضور مؤلف در پاره‌ای مضامین کم رنگ می‌شود.

۶ - در فهرست اعلام پایانی کتاب به ذکر نام اشخاص بسنده شده است و از فهرست اماکن، قبایل، احزاب، مکتب‌های فکری و سیاسی، آیات قرآن، روایات و کتاب‌ها خبری نیست.

۷ - شایسته بود نام دانشمندان اروپایی، عنوان کتابهای آنان، نام مکتب‌ها و نحله‌های فکری به شکل لاتین در خاتمه کتاب درج می‌شد.

۸ - ضبط اسامی مشاهیر اروپایی در پاورقی به صورت لاتین در تمامی موارد رعایت نشده است و این ویژگی روند یکسان و یکنواختی ندارد.

۹ - اسامی خاص در اکثر موارد داخل گیومه آمده‌اند اما در مواردی این وضع رعایت نگردیده است.

۱۰ - نام عده‌ای از متفکران اروپایی در پاره‌ای از صفحات کتاب به دو گونه ثبت شده‌اند.

۱۱ - اعراب‌گذاری برخی از احادیث و آیات کامل نیست و از این جهت خواندن آنها برای کسی که با زبان و ادبیات عرب آشنایی کافی ندارد مشکل است.